

Typology of Bibi Maryam Bakhtiari's Intellectual and Practical System in Confronting the Causes of Iran's Societal Backwardness

Mohammad Salmasizadeh¹ , Mohammad Abbaszadeh² , Gholam Ali Pashazadeh³ 
and Sajjad Barzegar Hefshjani⁴ 

1. Associate Professor, Department of History, University of Tabriz, Iran.

E-mail: sajad_barzegar64@yahoo.com

2. Associate Professor, Department of Social Sciences, University of Tabriz, Iran.

E-mail: msalmasizadeh@yahoo.com

3. Associate Professor, Department of History, University of Tabriz, Iran.

E-mail: m-abbaszadeh@tabrizu.ac.ir

4. PhD Candidate, Department of History, University of Tabriz, Iran.

E-mail: gh_pashazadeh@yahoo.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received 2023-08-15

Received in revised form
2023-11-15

Accepted 2023-11-20

Available online

1 July 2025

Keywords:

Bibi Maryam Bakhtiari;

Bakhtiari Tribe;

Qajar Government;

Backwardness;

Intellectual System;

Anti-Despotism;

Anti-Colonialism;

Women

ABSTRACT

The study of the thoughts and actions of Bibi Maryam Bakhtiari, one of the patriotic and constitutionalist women and a pioneer in tribal-based memoir writing during the Qajar era, is of significant importance. Bibi Maryam's intellectual discourse in her memoir revolves around two main axes: first, exposing and opposing the despotism of the Qajar government and defending freedom; second, analyzing the backwardness of Iran and the Bakhtiari region and examining its causes and factors. Accordingly, her memoir repeatedly emphasizes the necessity of modernization and progress in Iran, praises freedom, and condemns Qajar despotism. Bibi Maryam not only critiqued, in a bold and assertive language, the ignorance, lawlessness, brutality, mismanagement of the state, and customs that had caused Iran's dependence and misfortune, but she also actively resisted the main causes of this backwardness: the despotism and bloodshed of the Qajar monarchy and the colonial ambitions of Russia and Britain, the two major colonial powers of the time. During the event of the capture of Tehran, Bibi Maryam personally took up arms and fought against the Cossacks. In World War I, following the fatwas of scholars and the decisions of freedom-seekers to defend Iran, she joined the opposition against Russia and Britain. Therefore, this article seeks to extract, describe, and analyze Bibi Maryam's intellectual perspective and her practical confrontation with the causes of Iran's backwardness and traditionalism through historical research methods, relying on historical sources and library studies, with particular emphasis on the memoirs of Sardar Bibi Maryam Bakhtiari.

Cite this article: Salmasizadeh, Mohammad; Abbaszadeh, Mohammad; Pashazadeh, Gholam Ali; Sajjad Barzegar Hefshjani (2025). Typology of Bibi Maryam Bakhtiari's Intellectual and Practical System in Confronting the Causes of Iran's Societal Backwardness, *Discourse of History* 50 (2), 138-163.
<http://doi.org/10.22034/SKH.2023.16759.1446>



© The Author(s).

Publisher: Al-Mustafa International University.

DOI:<http://doi.org/10.22034/SKH.2023.16759.1446>

گونه‌شناسی نظام فکری و عملی بی‌بی مریم بختیاری در مواجهه با علل عقب‌ماندگی جامعه ایران

محمد سلماسی‌زاده^۱✉، محمد عباس‌زاده^۲، غلامعلی پاشازاده^۳ و

سجاد برزگر هفشجانی^۴

۱. دانشیار و عضو هیئت‌علمی گروه تاریخ، دانشگاه تبریز، ایران. رایانامه: msalmasizadeh@yahoo.com

۲. دانشیار و عضو هیئت‌علمی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز ایران. رایانامه: m-abbaszadeh@tabrizu.ac.ir

۳. دانشیار و عضو هیئت‌علمی گروه تاریخ، دانشگاه تبریز ایران. رایانامه: gh_pashazadeh@yahoo.com

۴. دانشجوی مقطع دکتری، رشته تاریخ، دانشگاه تبریز ایران. رایانامه: sajad_barzegar64@yahoo.com

چکیده

اطلاعات مقاله

بررسی اندیشه و عملکرد بی‌بی مریم بختیاری به عنوان یکی از زنان مبارز وطن‌پرست و مشروطه‌خواه و به عنوان یکی از پیشگامان خاطره نویسی با خاستگاه ایلی در عصر قاجار حائز اهمیت است. گفتمان فکری بی‌بی مریم در کتاب خاطراتش حول دو مسئله یا دو محور استقرار یافته است، یکی افشاجری و مخالفت بر ضد استبداد حکومت قاجار و دفاع از آزادی و دیگری تشریح عقب‌ماندگی‌های ایران و بختیاری و بررسی علل و عوامل آن است. به همین دلیل در کتاب خاطراتش بارها و بارها از لزوم و ضرورت نوگرایی و ترقی در ایران سخن گفته، آزادی را ستوده و به تقبیح استبداد قاجاری پرداخته است. بی‌بی مریم نه تنها با زبانی تند و شجاعانه از بی‌اطلاعی، بی‌قانونی، وحشیگری و نحوه اداره کشور و رسم و رسومی که باعث «وابستگی» و «بدبختی» ایران شده انتقاد کرده است؛ بلکه به صورت عملی نیز به مبارزه و مخالفت با عوامل اصلی این عقب‌ماندگی، یعنی «استبداد» و «خونریزی» سلطنت قاجار و «استعمار» روس و انگلیس به عنوان دو قدرت مهم استعماری آن روزگار اقدام نموده است. بنحوی که در واقعه فتح تهران بی‌بی مریم خود شخصاً تفنگ به دست گرفت و با قزاق‌ها جنگید. در دروان جنگ جهانی اول نیز به دنبال فتاوی علماء و تصمیم آزادیخواهان برای دفاع از ایران به صف مخالفان روس و انگلیس پیوست. لذا این مقاله تلاش دارد سیمای فکری و همچنین نحوه رویارویی عملی بی‌بی مریم با علل عقب‌ماندگی و کهنه‌گرایی و ارتجاع ایران را به شیوه تحقیقات تاریخی با کمک منابع تاریخی و مطالعات کتابخانه‌ای، علی‌الخصوص با تکیه بر کتاب خاطرات سردار بی‌بی مریم بختیاری استخراج و توصیف و تحلیل نماید.

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰

کلیدواژه‌ها:

بی‌بی مریم بختیاری،
ایل بختیاری،
حکومت قاجار،
عقب‌ماندگی،
نظام فکری،
استبدادستیزی،
استعمار ستیزی،
زنان.

استناد: سلماسی‌زاده، محمد؛ عباس‌زاده، محمد و پاشازاده، غلامعلی؛ برزگر هفشجانی، سجاد (۱۴۰۴). گونه‌شناسی نظام فکری و عملی بی‌بی مریم

بختیاری در مواجهه با علل عقب‌ماندگی جامعه ایران. سخن تاریخ، ۵۰ (۲)، ۱۶۳-۱۳۸.

<http://doi.org/10.22034/10.22034/SKH.2023.16759.1446>

© نویسندگان.

ناشر: جامعه المصطفی (ص) العالمیه.



مقدمه

بی‌بی مریم بختیاری - دختر حسینقلی خان ایلخانی،^۱ خواهر علیقلی خان سردار اسعد^۲ - از زنان مبارز و روشنفکر و آزادیخواه عصر مشروطیت بود. وی در دوران استبداد صغیر (۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ ق - ۲۷ جمادی الآخر ۱۳۲۷ ق) با استفاده از خاستگاه ایلپاتی و جایگاهش در میان ایل بختیاری توانست نقش تعیین کننده‌ای در اتحاد ایل بختیاری در جهت مقابله با محمدعلی شاه (۱۳۲۷ - ۱۳۲۴ ق) ایفا کند، و در ادامه در بحبوحه جنگ بین الملل اول و به دنبال فتاوی علماء و تصمیم آزادیخواهان برای دفاع از ایران در برابر تجاوز روس و انگلیس، بی‌بی مریم نیز به خیل آنان پیوست و نقش بسیار مهمی را چه از طریق پناه دادن به آزادیخواهان و یا کمک مالی و یا مبارزه مستقیم با متجاوزان و بیگانگان ایفا نمود. علاوه بر اهمیت چرایی و چگونگی مقابله عملی بی‌بی مریم در ضدیت با استبداد حاکمان قاجار و مخالفت با زورگویی استعمارگران روس و انگلیس در ایران؛ تفکر نقاد و روحیه آزادی‌خواهی، ظلم‌ستیزی، استبدادستیزی و بیگانه ستیزی ایشان و نیز طرح مسائلی از قبیل ضرورت ترقی و نوگرایی، تشکیل حکومت قانون، استقلال و آگاهی دولت و ملت به عنوان اندیشه‌هایی محوری در کتاب خاطرات سردار بی‌بی مریم منعکس شده است. از اینرو پژوهش حاضر درصدد است، چنانکه رهبر انقلاب در یکی از دیدارها و سخنرانی‌های خود مطالبه نمودند؛ ضمن معرفی زندگانی و شخصیت بی‌بی مریم بختیاری به عنوان یکی از مدافعان ملی و یکی از پیشگامان مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی، به تشریح عملکرد و دیدگاه‌های بی‌بی مریم بختیاری در مواجهه با عقب ماندگی جامعه ایران و بررسی علل و عوامل آن بپردازد.

پژوهش حاضر به روش توصیفی تحلیلی و با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای به ویژه کتاب خاطرات سردار بی‌بی مریم بختیاری و سفرنامه‌ها و تواریخ محلی انجام شده است.

در خصوص پیشینه پژوهش باید از کتاب ارزشمند سردار بی‌بی مریم بختیاری؛ سردار آزادی اثر محقق گرانقدر پریچهر سلطانی زراسوند یاد کرد. کتاب مذکور دارای دو بخش است. بخش نخست کتاب درباره زندگی، خاندان و ویژگی‌های اخلاقی این بانوی مبارز به نگارش در آمده است و در بخش دوم کتاب، نقش و عملکرد سردار بی بی مریم بختیاری در وقایع انقلاب مشروطه و جنگ جهانی اول بصورت مفصل مورد بحث قرار گرفته است. با این وجود در تحقیق عالمانه و پُر

۱. (وفات ۱۲۹۹ ق)

۲. (وفات ۱۳۳۶ ق)

زحمت خانم دکتر سلطانی، به صورت مستقل و متمرکز دیدگاه‌های بی‌بی مریم بختیاری درباره علل عقب‌ماندگی ایران و راهکارهای وی برای رهایی کشور از بدبختی و استبداد و وحشیگری و بی‌قانونی و ضرورت ترقی و نوگرایی جامعه تشریح نشده است. همین مورد تفاوت اصلی مقاله حاضر با کتاب مذکور است.

۱. اوضاع سیاسی و اجتماعی زمانه بی‌بی مریم بختیاری

بی‌بی مریم بختیاری دختر حسینقلی‌خان ایلخانی و بی‌بی فاطمه از طایفه زراسوند، ایل بختیاری است. از زمان و مکان دقیق تولد سردار بی‌بی مریم بختیاری اطلاع دقیقی موجود نیست، ولی مطابق شواهد تاریخی، در سال ۱۲۸۷ هجری قمری مطابق سال ۱۲۴۹ شمسی متولد شده است. (در این باره نک: خاطرات سردار ظفر، ۱۳۵۴: ۱۹۹)^۱ برادران او؛ علیقلی‌خان سردار اسعد (از رهبران انقلاب مشروطه) و نجفقلی صمصام‌السلطنه^۲ (دو دوره رئیس‌الوزرای ایران) و نیز عموزادگان وی از رجال شناخته‌شده دوران قاجار و پهلوی محسوب می‌شدند. (گالت، ۱۳۸۷: ۷۷) بی‌بی مریم مادر محمدعلی‌خان و مصطفی‌قلی‌خان و شهید علی‌مردان خان بود. (سلطانی زراسوند، ۱۳۹۴: ۴۹)^۳ وی را بی‌بی مریم، سردار بی‌بی مریم و مریم السلطنه می‌خواندند اما نام اصلی وی مریم بیگم بود و در نامه‌های ارسالی و کارت‌های سفارش، با خط خودش، همین نام آخر استفاده می‌گردید. (سلطانی زراسوند، ۱۳۹۴: ۴۹) کتاب خاطرات سردار مریم بختیاری که عمده‌تأ خاطرات زمان کودکی وی تا وقایع مشروطه را در بر می‌گیرد، اطلاعات ارزشمندی درباره اوضاع و احوال جامعه بختیاری در دوره قاجار و گزارشاتی درباره خودش، خانواده، خواهران و دوران هفت سالی ایلخانی پدرش حسینقلی‌خان ارائه می‌دهد. حسینقلی‌خان بختیاری در دوره‌ای که منصب ایلخانی را در دست داشت به خوبی از عهده اداره منطقه بختیاری و خوزستان برآمد. (بیشوب، ۱۳۷۵: ۸۱) وی نظم و امنیت را در قلمرو تحت نظرش بخوبی برقرار کرد، مالیات نیز به طور منظم پرداخت می‌شد به گونه‌ای که رضایت ظل‌السلطان^۴ را فراهم می‌-

۱. طبق گفته نقل شده از نوادگان، بی‌بی مریم در منطقه جلفا اصفهان و در قلعه سورشجان از توابع فعلی استان چهارمحال و بختیاری زندگی می‌کرد. (سلطانی زراسوند، ۱۳۹۴: ۵۰)؛ همچنین نک به توصیف هائری رنه دالمانی از اقامتش در قلعه بی‌بی مریم در سورشجان (دالمانی، ۱۳۳۵: ج ۳، ص ۱۰۱۵-۱۰۱۳) و نیز نک به پذیرایی بی‌بی مریم از کلود آنه و همراهش در قلعه اش در سورشجان (آنه، ۱۳۶۸: ص ۲۱۸-۲۱۶).

۲. (وفات ۱۳۴۹ق)

۳. جهت اطلاع بیشتر در خصوص تبار و شجره بی‌بی مریم بختیاری نک: (سلطانی زراسوند، ۱۳۹۴: ۵۴-۵۲)

۴. (وفات ۱۳۳۶ق)

آورد. (ظل السلطان، ۱۳۶۸: ۶۳۶) دوران هفت ساله ایلخانی حسینقلی خان به عنوان دورانی باشکوه در ذهن بی بی مریم متجلی گردیده، بنحوی که در شکل گیری مبانی فکری بی بی مریم اثر گذار بوده است. وی در کتاب خاطراتش ضمن اشاره به آزادی خواهی خودش و پدرش می نویسد: «ایلخانی... تمام خیالش این بود که شاید در دربار و دولت همدست پیدا نماید و ایران را مانند اروپا مشروطه کند و این کهنه درخت استبداد را شاید بتواند به دستیاری بزرگان ملت و دولت از بیخ و بن بردارد. همیشه برای ایران افسوس می خورد و فکرهای او خیلی عمیق بودن». (بختیاری، ۱۳۸۲: ۳۹-۴۰) او از اندیشه های پدرش افسوس می خورد و در شگفت است بدون آنکه مدرسه ای رفته باشد دارای این اندیشه های عمیق و سیاسی بوده و افسوس می خورد که در زمان مشروطه حضور نداشت تا آزادی ایران را ببیند. (بختیاری، ۱۳۸۲: ۳۹-۴۰)

بی بی مریم قتل حسینقلی خان را به دستور ناصرالدین شاه (۱۳۱۳-۱۲۶۴ق) و به دست ظل السلطان، بر اثر واهمه ای می داند که دولت قاجار از بختیاری و ایلخانی داشت. (بختیاری، ۱۳۸۲: ۳۴) چرا که در دوره حسینقلی بختیاری امکان تحرکاتی از سوی بختیاری ها به سمت اصفهان وجود داشت. (لایارد، ۱۳۶۱: ۸-۲۰۷) از نظر بی بی مریم تمام حیات بختیاری به حسینقلی خان وابسته بود (بختیاری، ۱۳۸۲: ۳۳) بصورتیکه با مرگ وی اتحاد شکل گرفته مابین خوانین بختیاری از بین رفت. (بیشوب، ۱۳۷۵: ۱۳۱) بی بی مریم معتقد است این اتفاق و غارت اموال و دارایی بختیاری ها توسط ظل السلطان، تحت تاثیر عدم اتحاد بختیاری و فروکش جوش و خروش آنها رخ داده که توانسته دست دشمنی ظل السلطان را داخل فامیل کند و مانع رسیدن صدمه به حکومت قاجار شود. از نگاه وی، آن زمان بختیاری به بلوغ عقلی و سیاسی زمان مشروطه نرسیده بود! بعد از مرگ حسینقلی خان هفت سال بختیاری ها زیر کنترل ظل السلطان قرار می گیرند و بین بزرگان و طوایف بختیاری اختلاف و درگیری شکل می گیرد (بختیاری، ۱۳۸۲: ۳۳-۴) ظل السلطان علاوه بر تهدید بختیاری ها به حمله نظامی، اسفندیارخان برادر بزرگ بی بی مریم را به مدت هفت سال به عنوان گروگان در حبس نگه داشته بود تا از هرگونه مقاومت احتمالی بختیاری ها ممانعت به عمل آورد. (ظل السلطان، ۱۳۶۸: ۶۵۷؛ بامداد، ۱۳۵۷: ج ۲/ ۴۴۹؛ عکاشه، ۱۳۶۵: ۱۸۶) رفتار ظل السلطان با بختیاری در این مقطع از زندگی بی بی مریم باعث شد تا علاوه بر انتقام، آرمان نوگرایی و مقابله با استبداد نیز در مخیله وی تکوین یابد. بی بی مریم بعد از فوت پدر نزد برادرهایش زندگی می کند و غالباً تحت تاثیر دیدگاه های برادرانش به ویژه علیقلی خان سردار اسعد قرار داشت که وی را به خواندن کتاب، به ویژه کتب

تاریخی ترغیب می‌نمود. سردار اسعد که خود علاقمند به تاریخ بود^۱ همیشه از تاریخ و پادشاهان قدیم برای بی‌بی مریم می‌گفت واز وی می‌خواست که شبانه روز کتاب تاریخ بخواند و مشق بنویسد. از کتب تاریخی شاخص که سردار اسعد برای وی می‌خواند ناسخ التواریخ بود. سردار اسعد در هر جای کتاب که زن برجسته‌ای در تاریخ وجود داشته، آن شخصیت را برای بی‌بی مریم الگوسازی می‌نمود. (بختیاری، ۱۳۸۲: ۶۰ و ۴۹ و ۷۷) در واقع از همین دوران و تحت تأثیر اعمال پدرش و تعالیم برادرش و مطالعه کتب تاریخی، بینش تاریخی بی‌بی مریم شکل می‌گیرد. در خاطراتش این نمونه‌ها و رویکردها و مشابه‌سازی‌های تاریخی دیده می‌شود. چنانکه که در جایی در انتقاد از رفتار خشن و جاه‌طلبانه برادرش حاجی خسروخان سردار ظفر^۲ می‌نویسد خیلی جاه-طلب است فرعونیت او خیلی است (بختیاری، ۱۳۸۲: ۴۱) در واقع با این مشابه‌سازی‌ها سعی در توصیف صفات و رفتارهای حاکمان قاجار، خوانین بختیاری و حتی برخی از برادران و هموزادگانش با اشخاص منفی و منفور تاریخ داشته است.

با برکناری ظل السلطان، دوران هفت ساله رنج و مصائبی که پس از مرگ حسینقلی‌خان گریبان خانواده ایلخانی را گرفته بود به پایان رسید و شاه پسران حسینقلی‌خان را مورد عفو و بخشش قرار داد و به پسر بزرگش که مدت هفت سال در زندان ظل السلطان بود سمت ایلگی و به عموبش رضاقلی‌خان عنوان ایلخانی را عطا نمود. (بیشوب، ۱۳۷۵: ۸۱) با آزادی اسفندیارخان به قول بی‌بی مریم روزگار بدبختی به پایان رسید و اقبال خانواده ایلخانی دوباره به دوران اوج خودش برگشت. (بختیاری، ۱۳۸۲: ۸۱ و ۷۹) اما به هر حال ایام خوشحالی بی‌بی مریم دیری نپایید چرا که ایام عروسی وی نزدیک بود. وی در ایام طفولیت به نامزدی علیقلی‌خان پسر محمدعلی‌خان چهار لنگ درآمده بود. علی‌رغم میل باطنی و با وجود آنکه با این ازدواج موافق نبود ناچاراً در سن پانزده سالگی به عقد مرد چهل ساله درآمد. (بختیاری، ۱۳۸۲: ۵۳ و ۸۱) بی‌بی مریم از وی صاحب دو پسر به نامهای علی‌مردان‌خان^۳ و محمدعلی‌خان گردید که اولی بعدها در مقابل زورگویی رضاشاه به مقاومت برخاست و در این راه جان فدا نمود. (پوربختیار، ۱۳۸۳: ۷۵) بی‌بی مریم پس از مرگ شوهرش به نزد خانواده‌اش بر می‌گردد اما پس از مدتی در سال

۱. علیقلی‌خان سردار اسعد بانی نشر کتابهای مختلفی به ویژه در زمینه تاریخ گردید. خلاصه‌العصر فی تاریخ بختیار شاخص‌ترین اثر وی می‌باشد. این علاقه به تاریخ و خاطرات نویسی به فرزند وی جعفر قلی‌خان

سردار اسعد سوم نیز منتقل گردید. (ر.ک. سردار اسعد بختیاری، ۱۳۹۲: ۶)

۲. (وفات ۱۳۱۲ش - ۱۳۵۲ق)

۳. (وفات ۱۳۱۳ش)

۱۳۱۳ هجری قمری به عقد پسر عمویش فتح الله خان ضیغم السلطنه (سردار ارشد بعدی) در می آید این ازدواج نیز از روی اجبار و پافشاری فتح الله خان و برادران بی بی مریم انجام می گیرد. بی بی مریم هم تنها از روی ناچاری و تنها برای تأمین آسایش مالی خویش تن به این ازدواج می دهد. بی بی مریم همانطور که در کتاب خاطراتش اشاره می کند بخاطر هرزگی شوهرش و عدم تقید وی به زندگی از این ازدواج ناراضی است و ناچاراً در سال ۱۳۱۹ هجری قمری و در سن سی سالگی از وی جدا شده و به تربیت تنها فرزندش از شوهر دومش می پردازد. (بختیاری، ۱۳۸۲: ۱۱۲، ۱۰۹، ۱۰۰، ۱۶۳) سرانجام سردار مریم بختیاری در سال ۱۳۱۶ شمسی سه سال پس از شهادت فرزندش علی مردان خان به دستور رضاشاه (۱۳۲۰-۱۳۰۴ ش)، در اصفهان زندگی را بدرود گفت. (بختیاری، ۱۳۸۲: ۲۱)

۲. نظام فکری بی بی مریم بختیاری در مواجهه با عقب ماندگی جامعه ایران

۲. الف) جامعه استبدادی و آزادی خواهی بی بی مریم

از دیدگاه بی بی مریم بنای حکومت قاجار بر اساس استبداد و خونریزی شکل گرفته بود. وی از قاجارها به دلیل تحریف تاریخ و توصیفی که درباره آقا محمدخان (۱۲۱۱-۱۲۱۰ ق) مؤسس سلطنت خاندان قاجار داشتند انتقاد نموده و می نویسد «او بود که استخوان های پوسیده کریم خان زند و نادرشاه افشار را از قبر بیرون آورد و در راه عمارت خود دفن نمود» (بختیاری، ۱۳۸۲: ۶۵) حیرت بی بی مریم از آن خاطر است که آنها این امر را جز افتخارات خود می دانند. در جای دیگر ضمن محکوم نمودن استبداد و ظلم و بی کفایتی شاهان قاجار می نویسد: «حرکات ننگ آور این سلسله زیادتز از آنست که بتوانم شرح بدهم، مثل عمل شنیع شرمناک که در حق لطفعلی خان زند نمودند.» (بختیاری، ۱۳۸۲: ۶۵) البته این رویکرد بی بی مریم نسبت به سلسله قاجار، علاوه بر مطالعات تاریخی و رویکرد تاریخی او، بایستی متأثر از مناسبات آنها با قاجارها و رنج هایی باشد که توسط قاجاریه بر بختیاری روا گردید. قتل حسینقلی خان ایلخانی پدر سردار بی بی مریم و حبس هفت ساله اسفندیارخان برادر بی بی مریم توسط ظل السلطان نمونه هایی از اختلافات و برخوردهای خاندان قاجار با خوانین و صاحب منصبان بختیاری است. (سلطانی زراسوند، ۱۳۹۴: ۱۵۸) به اعتقاد بی بی مریم، قاجاریه بخاطر واهمه همیشگی از بختیاری، سعی در مقابله با آن داشت. در نمونه ای دیگر، هنگامی که قشون خوانین برای ضبط اموال دهنو به آنجا یورش می برد، مادر بی بی مریم مجبور می شود به همراه خانواده و پسر دو ماهه بیمار بی بی مریم آنجا را ترک کند و در نتیجه طفل دو ماهه اش جان می سپارد، این واقعه سبب تألم بی بی مریم و نگارش

جملات ذیل می‌گردد: «پس از هزار و سیصد سال صحرای کربلا را ایجاد نمودند. امان از وحشیگری، امان از بی قانونی، امان از بدبختی مردم ایران که زمام خود را به دست چند نفر دزد بی شرف دادند که هر کس دویست اشرفی به یکی از شاهزادگان قاجار داد، بدون فکر، حکم غارت و قتل هر خانواده یا هر ایلی یا هر آبادی یا هر بلوکی را می‌دهند...» (بختیاری، ۱۳۸۲: ۱۴۲)

بی‌بی مریم بختیاری یکی از عوامل عدم استقلال و وابستگی جامعه را در استبداد شاهان قاجار جستجو می‌نمود. به ویژه ناصرالدین شاه را نقد نموده و او را فاقد هرگونه فکر و برنامه‌ای برای ملت «بدبخت» ایران می‌دانست. (بختیاری، ۱۳۸۲: ۲۴) از نظر بی‌بی مریم وی به دنبال گسترش منافع و ثروت و قدرت خویش و ذلیل نمودن ایران بوده است. سپس با چنین رویکردی گزارش می‌کند: «یکی از روش‌ها و منش ننگین وی کشتن مردم صاحب نفوذ و محترم در جامعه می‌باشد برای اینکه مبادا عملکرد وی را برای کشور و خاک مقدس سلاطین بزرگ و مردم بزرگ‌اش زیر سوال ببرند. در صورتیکه پادشاهان برای سرزمین‌های کره زمین خدمات بزرگی ارائه نمودند. اما نه تنها پادشاهان قاجار خلاف آن عمل نمودند بلکه برای تداوم حکومت استبدادی خویش مملکت بزرگ ایران را به دست اجنبی سپردند». (بختیاری، ۱۳۸۲: ۲۴) در اینجا بی‌بی مریم از دوران ایلخانی پدرش حسین‌قلی خان به عنوان الگویی یاد می‌کند که منطقه بختیاری را با تدبیر و عقلانیتی اداره نموده بدون آنکه دشمنی برای خود ایجاد کند. ازدواج‌های سیاسی یکی از روش‌هایی است که وی در این زمینه در تقابل با خوانین بزرگ بکار برد خود و فامیل و بستگان نزدیکش امر می‌نمود که از بستگان نزدیک زن بگیرند. (بختیاری، ۱۳۸۲: ۲۵) حسین‌قلی خان ایلخانی با این روش بگونه‌ای منطقه بختیاری و خوزستان را برای دولت ایران امن نمود که یک زن عاجز بدون واهمه و با مال فراوان بتواند گردش و مسافرت کند. (بختیاری، ۱۳۸۲: ۲۶) در واقع بی‌بی مریم نوع رفتار پدرش با مخالفان و منتقدین حکومت را عاملی مؤثر در برقراری نظم و امنیت می‌دانست.

بی‌بی مریم به عنوان بانویی آزادیخواه و حامی مشروطه یکی از علل عقب افتادگی و مصائب جامعه را استبداد می‌دانست، استبدادی که برای مقابله با آن ابتدا بایستی به علم و آزادی دست می‌یافت. علم به آنکه جامعه بایستی قانونمند گردد. وی از علل شکل‌گیری استبداد دوره قاجار را بزرگان قاجاری می‌داند چون میل به مشروطه شدن و قانونی شدن جامعه نداشتند چرا که دولت قاجار مختار جان، مال و ناموس یک مشت ملت بدبخت و فقیر بود. متعاقباً ایرانی که علم و آگاهی نداشت نمی‌توانست پی به حقوق خود ببرد و نمی‌توانست از راه علم و تمدن به دولت و ثروت دست یابد. یا اینکه به مانند اروپا و آمریکا شرکت‌های بزرگ تشکیل شود و خط آهن کشیده

شود یا اینکه در معادن مشغول به کار شوند و در دریا کشتی داشته باشند و تجارت کنند. بی‌بی مریم معتقد است کسانی که سرمایه‌دار هستند باید از اینکارها بکنند. در صورتیکه در ایران ثروت و دارایی بزرگان تنها از راه غیر مشروع به دست می‌آید. (بختیاری، ۱۳۸۲: ۱۷۶) دلیل این امر عدم تمایل بزرگان قاجار و ایران به ایجاد قانون و آزادی می‌باشد. از میان بزرگان و نخبگان عصر قاجار چند نفری از عالمان هم که به خیال ایجاد قانون در جامعه یا گسترش علم و آزادی در جامعه می‌افتادند یا جان خود را سر این کار می‌گذاشتند یا به سرنوشتی همچون تبعید یا گرفتار می‌شدند. (بختیاری، ۱۳۸۲: ۱۷۶)

بی‌بی مریم که خود نیز مشروطه‌خواه بود با توجه به منش فکری‌اش؛ مشروطه و برقراری قانون را راهی برای آزادی کشور می‌دانست. بی‌بی مریم معتقد بود که این مشروطه و تشکیل مجلس به هر ترتیبی بود با موافقت مظفرالدین‌شاه (۱۳۲۴-۱۳۱۳ق) و با پافشاری ملت به دست آمد، (بختیاری، ۱۳۸۲: ۱۷۴) در نظر بی‌بی در بین سلاطین قاجار مظفرالدین‌شاه به دلیل امضای فرمان مشروطه نام نیک از خود به یادگار گذاشت اما پسرش محمدعلی‌شاه علی‌رغم آنکه می‌توانست نام نیک پدرش را دنبال کند به مقابله با مشروطه برخاست و حتی مجلس مشروطه را به توپ بست. (بختیاری، ۱۳۸۲: ۱۷۵) به باور بی‌بی مریم محمدعلی‌شاه شاهزاده‌ای که پنج نفر از پدران پست سر هم سلطنت کرده بودند دچار اشتباه شد چون نمی‌دانست که وقتی در قرن بیستم یک ملت از خواب جهالت برخاست و حقوق خود را شناخت، ساکت نخواهد نشست. وقتی «بذری افکنده شود و آبیاری نشود دست و قدرت و آب رحمت خداوندی دانه دانه آن را سبز می‌کند و تخم افکنده شده آن معدوم نمی‌شود.» (بختیاری، ۱۳۸۲: ۱۷۵)

بی‌بی مریم در مورد محمدعلی‌شاه اصطلاح «شاهزاده بدبخت» را بکار می‌برد که به سمت نواحی مختلف جهان همچون اروپا، آمریکا و آسیا نگاهی نینداخت که ببیند چه تعداد از سلاطین بزرگ جهان علی‌رغم میل باطنی و با افسوس اما با ظاهری خندان فرمانهای آزادی خلق خدا را صادر می‌کردند. (بختیاری، ۱۳۸۲: ۱۷۵) آنچه پیداست در اینجا اصطلاح بدبخت به معنای بی‌اطلاعی و جاهلیت می‌باشد چرا که محمدعلی‌شاه بدون آگاهی و اطلاع از جهان اطراف خویش اقدام به کار بردن خشونت و به هم‌زدن مشروطه و به توپ بستن مجلس می‌کند. «این شاهزاده بدبخت و سیه روز با جمع‌آوری یکمشت آدم‌های خون‌مردم خور، یک جمعی‌گرگ به صورت آدم که کار آنها مکیدن خون مردم بدبخت ایران بود، دور خود جمع نمود، و هر چه آنها مصلحت می‌دیدند شاهزاده بدبخت هم عمل می‌نمود.» (بختیاری، ۱۳۸۲: ۱۷۵) محمدعلی‌شاه بعد از یک سال سلطنت مجلس را به توپ بست و اقدام به حبس و دار زدن مشروطه‌خواهان و

آزادی خواهان غارت خانواده‌های آن‌ها، تبعید مردم به فرنگ عدم امنیت جان و ناموس مردم، و به هر حال از شرارت و ظلم و خیالات فاسد دست بردار نبود. (بختیاری، ۱۳۸۲: ۱۷۶) بی‌بی مریم در یک قیاس تاریخی این عمل وی را نمونه‌ای و همانند کارها و اعمال بنی‌امیه می‌داند (بختیاری، ۱۳۸۲: ۱۶۷) که این قیاس و شباهت سازی وی علاوه بر آنکه بینش و رویکرد تاریخی وی را نشان می‌دهد، نشانی دیگر از آگاهی و همراهی وی با تفکر و نگرش با جو غالب در افکار عمومی زمان مشروطه است افکاری که حوادث آن زمان را با واقعه کربلا قیاس می‌نمود. (کسروی، ۱۳۸۳: ۶۳۱) به هر حال سرانجام این اقدام ناآگاهانه محمدعلی شاه نابودی خودش و خانواده‌اش را در پی داشت، در نگاه علت شناسانه بی‌بی مریم می‌توان این سرانجام محمدعلی شاه را معلول همان رویکردهای ناآگاهانه وی نسبت به جهان پیرامون خود و عدم شناخت جامعه ایران و افزایش آگاهی جامعه ایرانی دانست. نمونه این آگاهی و بیداری جامعه در حرکت مجاهدین آذربایجان تجلی می‌یابد. از نگاه بی‌بی مریم «آذربایجانی‌های غیور و رشید» که به باور وی همواره برای وطن پرستی و کارهای برجسته پیش قدم بوده‌اند «علم آزادی» را به سرداری ستارخان و باقرخان برافراشتند. این بیداری و حرکت مجاهدان در نوشته‌های آزادی-خواهان تبعید شده در فرنگ سرلوحه تمامی ایرانیان قرار گرفت و در مجموع اسباب خیزش ایرانیان علیه استبداد گردید. (بختیاری، ۱۳۸۲: ۱۷۶)

۲. ب) عقب‌ماندگی جامعه و ترقی خواهی بی‌بی مریم

بی بی مریم همواره آرزوی استقلال، خودکفایی و آبادانی ایران را داشت و همه مصائب و عقب‌ماندگی کشور را وابسته به شاهان قاجار و رضاخان و حضور استعماری بیگانگان در ایران می‌دانست. وی وطن پرست بود و عقب‌ماندگی فرهنگی و تاریخی ایران او را می‌آزرد. همواره افسوس و دغدغه پیشرفت جامعه ایران را داشت تا مانند اروپا یا آمریکا یا ملت‌های دیگر پیشرفت کند. نگران بود تا قبل از مرگش این پیشرفت را نبیند و ایران به شکوه نرسد. در نگاهش گذشته درخشان، پیشرفته و با شکوهی نسبت به ادوار پیشین ایران قائل بود. از نگاه وی؛ دوره‌ای که در آن به سر می‌برد، عصر تمدن است، دوره‌ای که تمام مردمان و سرزمین‌های بدوی و به تعبیر وی «وحشیهای روزگار» در تمام نقاط کره زمین رو به آبادانی گذاشته‌اند و به همین دلیل این دوران را «عصر مشعشع» می‌نامد. اما ایرانی‌ها را به دلیل آنکه از این تشعشع بی‌بهره هستند بدبخت‌ترین مردم روزگار می‌داند. (بختیاری، ۱۳۸۲: ۸۴) جامعه بختیاری هم جزئی از این کل می‌باشد که دچار عقب‌ماندگی شده است و بی‌بی مریم آرزو دارد که بختیاری هم به جاده تمدن و ترقی قدم

بگذارد و از آفتاب تشعشع تمدن بهره‌مند گردد. «ای بختیاری! ای وطن عزیز آیا می‌شود که تو هم به جاده تمدن و ترقی قدم بگذاری؟ آیا می‌شود که آفتاب مشعشع تجدد نور خود را بسر شما هم افشان کند ای بسا آرزو که خاک شد.» (بختیاری، ۱۳۸۲: ۱۵۰)

بی‌بی مریم علاوه بر اشتیاقی که برای حرکت جامعه به سوی تمدن و ترقی و نوگرایی داشت. حفظ استقلال جامعه را نیز پر اهمیت می‌دانست. وی در دیدار از شهر شوش و بناهای آن، از واگذاری امتیاز اکتشاف آثار باستانی آنجا به فرانسوی‌ها ناراضی است چرا که نه تنها موجب خارج نمودن اشیاء عتیقه از ایران می‌گردد بلکه از سوی دیگه با دیدن این آثار تاریخی استقلال گذشته ایران برای وی تداعی می‌گردد که در زمان وی توسط حکومتی «بدبخت» دچار نقصان شده است و به همین علت از تعبیر «بدبخت ایران، سیه روز ایران، فلک زده، اسیر بیچاره ملت ایران» استفاده می‌کند (بختیاری، ۱۳۸۲: ۹۴) که در روزگاری که کشور از عدم استقلال کافی برخوردار است زندگی می‌کنند.

در مجموع از نگاه بی‌بی مریم ایران و بختیاری به چند دلیل دچار عقب‌ماندگی و واماندگی شده، که در کتاب خاطراتش سعی در بر شمردن و توضیح این عوامل و علل عقب‌ماندگی دارد. مهمترین این عوامل را فقدان قانون یا وجود رسم و رسوم ناخوش، فقدان علم و آگاهی، (بختیاری، ۱۳۸۲: ۱۰۶) نبود امکانات ارتباطی و حمل‌ونقل، (بختیاری، ۱۳۸۲: ۹۱) محرومیت و ظلم به زنان، (بختیاری، ۱۳۸۲: ۱۱۰ و ۱۵۹) مصرف‌زدگی جامعه و فساد (بختیاری، ۱۳۸۲: ۱۰۵-۱۰۶)، تجاوز دول استعماری همچون روس و انگلیس و صد البته حضور شاهان مستبدی نظیر ناصرالدین شاه قاجار ارزیابی می‌کند. (نک: بختیاری، ۱۳۸۲: ۲۴ و ۶۵) در ذیل چند مورد از این عوامل را مرور می‌کنیم.

۲. ب. ۱) فقدان امکانات ارتباطی

نبود امکانات ارتباطی و حمل‌ونقل یکی از مسائل مورد انتقاد بی‌بی مریم و مؤثر در عقب‌ماندگی جامعه است. در منطقه بختیاری برای عبور و مرور کاروان‌ها و به ویژه در مواقع ییلاق و احشام از کوه‌های صعب‌العبور راه ارتباطی وجود نداشت و مسیرهای عبور تنها بر اثر ردپاهای عبور حیوانات و احشام شکل گرفته بود. (دالمانی، ۱۳۳۵: ج ۳، ص ۱۰۲۴) این نبود مسیرهای ارتباطی از نگاه بی‌بی مریم از عوامل عدم توسعه و پیشرفت می‌باشد چرا که وی معتقد است اگر در ایران خط آهن و راه شوسه وجود داشت تمام محصولات جنگل‌های بختیاری به قیمت طلا در خارج به فروش می‌رسید. در شهرهای ایران چوب بید به قیمت یک من دو قران به فروش

می‌رسید در صورتیکه جنگل‌ها و منابع آب منطقه بختیاری بدون مصرف در یک قسمت از مملکت رها شده بود. (بختیاری، ۱۳۸۲: ۶۴) البته بی‌بی مریم نقش فقدان امکانات حمل‌ونقل را در حرکت جامعه ایران به سمت تمدن فقط محدود به بختیاری نمی‌داند بلکه گزارش نموده نقاطی دیگر از ایران نیز به دلیل نبود امکانات ارتباطی از توسعه و پیشرفت به سوی تمدن باز مانده‌اند. سرزمین لرستان که بی‌بی مریم به منظور بیلاق به آنجا رفته بود، نیز دچار همین معضل بوده است. منطقه‌ای صعب‌العبور که فقدان راه و جاده، هم باعث سختی حرکت ایل بختیاری شده بود و هم امکان استفاده از درختان متنوع میوه و امکانات بالقوه و جنگل‌های طبیعی این منطقه را نامقدور کرده بود. سپس بی‌بی مریم با افسوس می‌نویسد، اگر این مکان‌های مستعد در اروپا وجود داشت با ایجاد راه آهن مداخل فراوانی حاصل می‌گشت. (بختیاری، ۱۳۸۲: ۹۱) بی‌بی مریم در سفر بیلاق به لرستان، علاوه بر توصیف و شرح امکانات طبیعی آن منطقه، از گذشته با شکوه و آبادانی منطقه مزبور در دوره اتابکان لرستان یاد می‌کند. (بختیاری، ۱۳۸۲: ۹۵ و ۹۱) در منطقه چهارمحال نیز عدم پیشرفت را می‌بیند وقتی رودخانه دز را بدون استفاده می‌بیند می‌گوید «این دز اگر مال اروپا بود، چه بناهای خوبی در آن ساخت می‌کردند». (بختیاری، ۱۳۸۲: ۹۰) در سفر قشلاق نیز در حین عبور از زردکوه، از امکانات بالقوه و طبیعی این منطقه یاد می‌کند که استعداد رشد و شکوفایی فراوانی دارد.

۲. ب. ۲) مصرف زدگی جامعه و فساد مالی

بی‌بی مریم که سعی در بر شمردن عللی که استقلال کشوری را دچار نقصان نموده دارد، یکی دیگر از این علل را مصرف زدگی جامعه و از بین رفتن سادگی زندگی گذشته می‌داند. وی می‌نویسد زندگانی گذشته نسبت به زندگانی حال (دوره حیاتش) خیلی ساده‌تر بود، به اندازه‌ای که زندگانی انسان ساده‌تر باشد به همان اندازه راحت‌تر است. «چنانچه اگر رجوع به تاریخ بکنیم می‌بینیم که والا زندگانی انسان چه قدر راحت و مقدس بود اما حالا مردم دنیا چه خطراتی افتاده‌اند»، ولی حال زندگی و دنیا وسعت فراوانی یافته و هزینه‌ها افزایش یافته‌اند. کشور را به دلیل نبود هیچ‌گونه ثروتی یک مملکت ورشکسته می‌داند. با این حال به دلیل افزایش هزینه‌ها و ترویج مصرف‌گرایی، هر کسی تمام دارایی خود را بایستی خرج عمارت، خوراک و لباس و در کل مایحتاج زندگی‌اش کند. متعاقباً تمام اسباب و لوازمات زندگی حتی سوزن خیاطی باید از خارجه تأمین گردد، آن وقت اگر سوزن هم از خارج وارد نشود ایرانی‌ها بایستی لباس‌هایشان را به هم به چسبانند، چرا که توان تولید سوزن در داخل وجود ندارد و بی‌بی مریم این ناتوانی حتی در تولید سوزن در داخل کشور را معلول عدم وجود دولت دل سوز می‌داند. (بختیاری، ۱۳۸۲: ۱۰۵)

بی‌بی مریم در قالب انتقاد از تجمل‌گرایی زنان نیز حاکمیت را مورد انتقاد قرار می‌دهد. از جمله در عصر قاجار زنان اشتیاق شدیدی به جواهرات داشتند حتی تا جاییکه مردان ناگزیر بودند خود را از ضروریات زندگی محروم کنند و جواهری برای زنان خویش فراهم نمایند. (دروویل، ۱۳۷۰: ۵۰؛ لایارد، ۱۳۶۷: ۹۹) بی‌بی مریم در تهران در مغازه چارقد فروشی متوجه وجود اشیاء طلا و جواهر در زیر آینه‌ای می‌شود که زنان در گرو چارقد تور گذاشته‌اند. بی‌بی مریم از بابت بدبختی ملت بیچاره ایران که این قدر بی‌علم و بدبخت می‌باشند افسوس می‌خورد که چرا آنچه پول و سرمایه در مملکت وجود داشته در مقابل این همه کالا به خارج رفته تا جواهری در گرو پارچه تور قرار بگیرد. (بختیاری، ۱۳۸۲: ۱۰۵)

بی‌بی مریم این مسئله را معلول دو عامل بی‌قید بودن سلاطین قاجاری نسبت به مملکت ایران و بی‌علمی خود ملت می‌داند. شاهان قاجار بخاطر بی‌قیدی خویش بسیاری از بودجه کشور را صرف عیاشی خویش می‌نمودند. وی در مطالعه تاریخ عضدی به موردی بر می‌خورد که پول سبزی آشپزخانه یکی از همسران فتحعلی‌شاه در ماه به دوازده هزار تومان می‌رسیده است، سپس با تأکید نوشته «در صورتیکه اگر فتحعلی‌شاه این پول‌ها را صرف آبادی ایران می‌نمود مردم و کشور ایران در این فقر و عدم بضاعت مالی به سر نمی‌بردند. اگر در این یکصد و پنجاه سال شاید بیشتر یا کمتر سالی یک متر خط آهن درست می‌کردند وضعیت دیگری وجود داشت». (بختیاری، ۱۳۸۲: ۱۰۶)

۲. ب. ۳) فقدان علم و آگاهی مردم ایران

بی‌بی مریم علاوه بر عامل سلطنت، بی‌علمی و عدم آگاهی جامعه ایران را به میان می‌کشد که معنی «سلطنت» را نمی‌دانند. در تعریف وی ملتی دور هم جمع می‌شوند تا شخصی را که از همه نظر از دیگران برتری دارد را برای سلطنت برگزینند، آن وقت پولی از تمام این مملکت به نام مالیات دست آن شخص می‌دهند که او این مملکت را اداره کند و تمامی نواقص را رفع نماید. در نظر بی‌بی در چنین جامعه‌ای سلطان باید نوکر مردم باشد. اما متأسفانه برعکس، ملت ایران، سلطان را آیت خدا و خود را بنده او می‌دانند؛ بلکه از منظر آنها سلطان از جنس دیگریست. (بختیاری، ۱۳۸۲: ۱۰۶)

در اینجا بی‌بی مریم مسئله فقدان علم و آگاهی مردم ایران را به میان می‌آورد. چرا که اگر مردم ایران دارای علم و آگاهی بودند سلاطین قاجار را به چالش می‌کشیدند و از آنها سوال می‌نمودند که چرا پول ملت باید خرج عیش و عشرت شاه و همسرانش گردد. بی‌بی مریم به نوعی همه ایرانیان را به اندیشیدن فرا می‌خواند که چرا اندیشه‌شان خاموش و تاریک است. به این

بیندیشیم که چند میلیون ایرانی بایستی جمع شوند و حاصل دست رنج سالیانه خود را با هزار جور بدبختی و عذاب دنیایی کرورها پول جمع کرده خود را به دست یک نفر بسپارند تا وی زحمت اداره کشور و زندگی مردم را قبول بنماید. اگر ایرانی صاحب اندیشه باشد پادشاه «نوکر ملت می‌باشد نه خدای ملت ... اما متأسفانه نوع پز این آدم را صورت حق می‌دانند... به ویژه ایرانی که خود را بنده خدای می‌داند» (بختیاری، ۱۳۸۲: ۱۰۶) در اینجا بی‌بی مریم دوباره اندیشه ایرانی را به چالش می‌کشد که «هنوز فکر انسان به آنجا نرسیده است که آن کسانی که از اول سلطنت را در نیای ما قرار داده‌اند مستخدم زحمت‌کش برای ملت درست کرده‌اند نه خالق، وقتی ایرانی به این مرز اندیشه و باور رسید؛ هر وقت مستخدم برای ملت خوب کار کرد بایستی او را دعا نموده و برجایش باقی بماند، اما اگر کارکرد خوبی نداشت به جای ستایش نمودن، بایستی برکنار و مجازات گردد». (بختیاری، ۱۳۸۲: ۱۰۶) در واقع با برشمردن وضعیت جامعه خود راه برون رفت جامعه‌ای که به دلیل حضور پادشاهان نالایق رو به افول می‌باشد و استقلالش در خطر قرارداد ابتدا آگاهی مردم نسبت به حقوق خود و جایگاه پادشاه در جامعه می‌باشد و مرحله بعدی اقدام در جهت تغییر وضعیت موجود می‌باشد.

۳. اقدامات عملی بی‌بی مریم بختیاری در مواجهه با استبداد و استعمار

۳. الف) استبدادستیزی و آزادی خواهی بی‌بی مریم

بعد از شکل‌گیری انقلاب مشروطه و واقعه به توپ بستن مجلس، بی‌بی مریم در خطابه‌ای محکم و ضد استبدادی به تشویق آزادی‌خواهان و حرکت برای مبارزه با استبداد پرداخت. (بختیاری، ۱۳۸۲: ۱۸۲) علاوه بر تمایلات آزادیخواهانه، انتقام خون پدرش از سلسله قاجار، انگیزه‌ای بود تا سردار اسعد را سوگند دهد و راهی تهران کند. (آنه، ۱۳۶۸: ۲۲۴) بی‌بی مریم طی نامه‌ها و تلگراف‌های مختلف بین سران ایل و سخنرانی‌های مهیج و گیرا، افراد ایل را جهت مبارزه با محمد علی شاه در عصر استبداد صغیر آماده می‌کرد،^۱ چنانکه به عنوان یکی از شخصیت‌های ضد استعماری و استبدادی عصر قاجار مطرح گردید. بی‌بی مریم قبل از فتح تهران مخفیانه با عده‌ای سوار وارد تهران شد و در خانه پدری حسین ثقفی اقامت گزید. با حمله‌ی سردار اسعد به تهران، پشت بام خانه را که مشرف به میدان بهارستان بود، سنگربندی نمود و با عده‌ای سوار بختیاری، از پشت سر با قزاق‌ها مشغول جنگ شد. او

۱. برای نمونه در این خصوص نگاه کنید به نامه‌ها و سفارش بی‌بی مریم به ضیغم‌السلطنه چاپ شده در: روزنامه مجلس شماره ۳۰؛

مورخ ۱۷ مهر ۱۲۹۰ برابر با ۱۵ شوال ۱۳۲۹ ق و ۹ اکتبر ۱۹۱۱، ص ۳.

حتی خود شخصاً تنگ به دست گرفت و با قزاق‌ها جنگید. نقش او در فتح تهران، میزان محبوبیتش را در ایل بختیاری افزایش داد و طرفداران بسیاری یافت به طوری که به لقب سرداری مفتخر گردید. (اوژن بختیاری، ۱۳۴۵: ۲۱۹)

علاوه بر مبارزه نظامی و فیزیکی، در همین زمان مشروطه، احزاب و تشکّل‌های آزادی‌خواه و ترقّی‌طلب متعددی در کشور شکل گرفته بود و گروهی از زنان روشنفکر نیز در این انجمن‌ها و محافل فعالیت داشتند. عملکرد بی‌بی مریم نشان می‌دهد که در این تشکّل‌ها فعال بوده و با آن‌ها ارتباط داشته است. (سلطانی زراسوند، ۱۳۹۴: ۱۵۵) حزب ستاره بختیاری یکی از همین تشکّل‌ها بود. این حزب توسط خوانین آزادی‌خواه و خواهان تحول ایل بختیاری تشکیل شد و علی‌مردان خان فرزند بی‌بی مریم یکی از مؤسسان حزب مذکور بود. مطابقت دیدگاه‌ها و افکار بی‌بی مریم با بیانیه این حزب جالب توجه است. در قسمتی از بیانیه حزب ستاره بختیاری آمده است: «همطنان عزیز، بر هیچکس پوشیده نیست که ترقّی و تعالی هر ملک و ملت بسته به کوشش و جدّیت ساکنان آن کشور است. غفلت و سست عنصری هر ملت، بدون شبهه، اسباب اضمحلال مملکتش را فراهم خواهد آورد...» در ادامه بیانیه مذکور به برخی از عقب‌ماندگی‌ها و ضعف‌های کشور و منطقه بختیاری نظیر مدارس، راه‌ها و کاخانات اشاره شده و سپس در چند ماده به بیان اهداف و مقاصد حزب پرداخته شده است. از جمله آمده است: ۱. تأسیس مدارس و تحصیل اجباری ۲. بنای مریم‌خانه و حفظ الصّحه عمومی ۳. تشکیل قرائت‌خانه و انجمن‌های ادبی اخلاقی ۴. وارد کردن ماشین‌های فلاحی برای سهولت زراعت عمومی زارعین ۵. تعمیر طرق بختیاری خاصّه تا اصفهان، که ایاب و ذهاب گاری پُست و غیره به سهولت شود ۶. دائر نمودن سیم تلفون و تلگراف بین اصفهان و بختیاری ۷. توسعه شرکت تجار ۸. کارخانجات قالی-بافی در بختیاری ۹. ترویج صنایع و امتعه وطنی ۱۰. تأسیس یک باب مدرسه فلاحی ۱۱. تأسیس مدرسه مجانی برای ایتام و فقرا ۱۲. استخراج معادن (سند شماره ۲۹۳/۵۴۶۲ در آرشیو اسناد ملی؛ به نقل از سلطانی زراسوند، ۱۳۹۴: ۱۵۸-۱۵۷) تمام این اهداف تقریباً در کتاب خاطرات بی‌بی مریم نقل شده است و وی از افرادی بوده که تحقق این اهداف را دنبال نموده است (سلطانی زراسوند، ۱۳۹۴: ۱۵۸) البته در مورد ارتباط بی‌بی مریم با این حزب، لازم است مطالعات جدّی‌تری انجام شود.

در خصوص عملکرد و استبداد ستیزی بی‌بی مریم در زمان حکومت رضاشاه نیز همین ضعف وجود دارد به گونه‌ای که با سکوت منابع معتبر دو تصور و نظر در خصوص استبدادستیزی ایشان در دوره پهلوی اول به ویژه در رسانه‌های نوشتاری و تحقیقات جدید نقش بسته است.

نخست تصویری که حکایت از انفعال و بی‌تفاوتی بی‌بی‌مریم در برابر حکومت جدید دارد و دوم تصویری است که بی‌بی‌مریم را موجد و محرک بختیاری‌ها در مقابله با استبداد و قوانین اجباری رضاشاه معرفی می‌کند. در برداشت اخیر رهبری و پشتیبانی قیام نافرجام سال ۱۳۰۸ شمسی علی‌مردان خان بختیاری بر ضد قوای نظامی حکومت به بی‌بی‌مریم بختیاری نسبت داده شده است.^۱ هرچند سندی دال بر این مدعا موجود نیست، اما برخی از رخدادها و گزارش‌های تاریخی می‌تواند مقوم برداشت اخیر باشد. از جمله بازداشت و تیرباران علی‌مردان خان پسر بی‌بی‌مریم توسط رضاشاه، یا برکناری و بازداشت ناگهانی جعفرقلی خان سردار اسعد وزیر جنگ^۲ (پسر سردار اسعد بزرگ و برادرزاده بی‌بی‌مریم) به سال ۱۳۱۱ شمسی به اتهام خیانت؛ این اقدام و متعاقب آن برکناری لطف علی‌خان امیر مفخم^۳ از مأموریت بختیاری به دستور رضاشاه موجب شد تا بختیاری‌های مخالف پهلوی، حول بی‌بی‌مریم جمع گردند و از او بخواهند تا وی مسئولیت بختیاری را عهده‌دار گردد. هرچند که رضاشاه به منظور کنترل بختیاری شخص دیگری یعنی مرتضی‌قلی خان بختیاری^۴ را به ایلخانی منصوب نمود. (پسندیده، ۱۳۷۴: ۸۰) مورد دیگر مدیریت و سیاست بی‌بی‌مریم در مسئله اختلاف و تفرقه‌ایست که در این زمان بین برادران و عموزاده‌های وی در گرفته بود، در حالی که عامل اصلی اختلاف بین خانواده ایشان، حکومت پهلوی و عوامل درباری بودند و تلاش داشتند با ایجاد تفرقه بین برادران و عموزاده‌ها به تضعیف بختیاری بپردازند و از آتش تفرقه برای اهداف خود سوء استفاده نمایند، (سلطانی زراسوند، ۱۳۹۴: ۲۳۵-۲۳۴) ولی بی‌بی‌مریم که مسائل را بخوبی تحلیل می‌کرد و متوجه آسیب تفرقه و تضعیف اقتدار بختیاری بود با وساطت و میانجگری و نصیحت برای رفع اختلافات خانواده بسیار تلاش نمود. برای نمونه وی در خاطرات خود ضمن توضیح علت درگیری اعضای خانواده‌اش نوشته: «... روزی که صمصام‌السلطنه رفت برای طهران، با این حال ناخوش، به حدی گریه نمودم که حد و حساب نداشت یعنی شبانه روز کارم گریه بود، با این که قدرت به دستم نبود، خدمت سردار اسعد عریضه می‌کردم، التماس می‌کردم، نصیحت می‌نمودم که نباید شما این جور حرکات و دشمنی با خانواده خودت بکنید و حال آنکه می‌دانستم تقصیر از آن شخص بزرگوار نبود...» (بختیاری، ۱۳۸۲: ۱۵۶) جالب آنکه در نامه‌هایی توسط امیر لشکر جنوب و انصاری از وزارت جنگ به رضاشاه، قدرت بی‌بی‌مریم در ایجاد اتحاد خانوادگی و رفع کدورت‌ها گزارش شده است. (نک

۱. برای نمونه نگاه کنید به مصاحبه عباس ایروانی پژوهشگر تاریخ با خبرگزاری مهر mehrnews.com/xNsWK

۲. (وفات ۱۳۱۲ش)

۳. (وفات ۱۳۲۶ش)

۴. (وفات ۱۳۳۸ش)

به سلطانی زراسوند، ۱۳۹۴: ۲۳۶)

از طرف دیگر پس از کودتای ۱۲۹۹ توسط ۲ چهره سیاسی، سیدضیا طباطبایی و رضاخان و نشستن سیدضیا بر صندلی نخست وزیری، افراد سیاسی منصوب به حکومت قبلی در خطر قرار گرفتند. با توجه به نگرش‌های بی‌بی مریم، سابقه سیاسی و تجربه‌اش از پناه دادن به آلمانی‌ها،^۱ چهره‌های سیاسی و حتی فعالان سیاسی به خانه او پناه می‌بردند. از جمله این افراد دکتر محمد مصدق، علی اکبر دهخدا، فرخی یزدی، ملک الشعرای بهار و وحید دستگردی است. (باستانی پاریزی، ۱۳۷۹: ۱۳۲-۱۲۷؛ همچنین نک: مصدق، ۱۳۶۵: ۱۳۸)

۳. ب) مبارزه بی‌بی مریم با استعمار روس و انگلیس در ایران

مردم ایران که در اثر ظلم و رفتار خشن سالیان دراز روس‌ها و انگلیس‌ها به خصوص، پس از انعقاد قراردادهای انحصاری و استعماری مانند ۱۹۰۷ میلادی روگردان شده بودند، با آغاز جنگ جهانی اول، اکثراً به طرف آلمان و عثمانی گرایش پیدا کردند. تا بدان حد که اشخاص و رجال سیاسی و شخصیت‌های ملی مورد اعتماد مردم نیز تمایل خود را نسبت به طرفداری از آلمان اظهار می‌نمودند؛ تا آنجا که خبرهای جنگی که گویای فتوحات آلمان بود موجب شادی و نشاط آنان می‌شد، و حتی بدین سبب کتاب قیصرنامه نوشته و قصیده‌ای در مدح ویلهلم، امپراتور آلمان سرودند. (نک: کامران، ۱۳۷۰: ۴) در چنین شرایطی انگلیس‌ها برای حفظ مناطق نفت‌خیز و منافع خود در جنوب بیش از پیش به بختیاری‌ها نزدیک شدند و حتی تلاش نمودند به طور موقت به اختلاف خوانین بختیاری خاتمه دهند. اما آلمان‌ها با استفاده از اختلافات داخلی بین بختیاری‌ها توانستند در اتحاد میان آنها و انگلیس‌ها شکاف ایجاد کنند (باست، ۱۳۷۷: ۴۵؛ لیتن، ۱۳۸۵: ۲۴-۲۱۹) و قرارهای پنهانی میان سران بختیاری از جمله ضرغام السلطنه بسته شد. (نیدرمایر، ۱۳۶۳: ۳-۲۹۲ و ۸-۲۸۷) در سال ۱۹۱۵ میلادی/ ۱۳۳۳ هجری و اسموس آلمانی که از راه لرستان و پشتکوه به فارس می‌رفت در تماس مختصر با برخی خوانین بختیاری توانست در رابطه بین آنان و انگلیس‌ها خلل وارد سازد. به طوری که اغلب آن‌ها دوستی دیرینه خود با عمال انگلستان را فراموش کردند و از آن‌ها فاصله گرفتند. (گارثویت، ۱۳۷۳: ۱۴) استدلال واسموس بیش از هرکس در بی‌بی مریم و ابراهیم خان ضرغام السلطنه،^۲ فتحعلی خان بختیار،^۳ سالار معظم و سالار مسعود مؤثر افتاد و به نزدیکی ایشان با آلمان‌ها انجامید.

۱. برای اطلاع در این خصوص نک: (اتحادیه نظام مافی)، ۱۳۷۹: ۱۶۶)

۲. (وفات ۱۳۳۷ ق)

۳. (وفات ۱۳۳۵ ق)

(سپهر، ۱۳۳۶: ۵-۷۴؛ گالت، ۱۳۸۷: ۲۴) در دروان جنگ جهانی اول گرچه غالب بختیاری‌ها جانب انگلیس را گرفته و از انگلستان حمایت می‌نمودند، اما بی‌بی مریم به تأسی از روحانیون و قاطبه مردم ایران که از زورگویی و استعمار روس و انگلیس بیزار می‌جستند به مخالفت با روس و انگلیس پرداخت و جانب آلمان‌ها و متحدین را گرفت.

لازم به توضیح آنکه احتمالاً گرایش اقشار مختلف مردم ایران به دولت و ملت آلمان به معنای آلمان دوستی یا بیگانه‌پرستی آنان نبوده بلکه با توجه به جو آن روز ایران، حضور و پیروزی‌های آلمان اندک امید و روزنه‌ای بود تا به یاری آن، قید و بند چندین ساله سفارتین عظمای روس و انگلیس را پاره کنند و دور بیندازند. در نگاه بدبینانه‌ای نیز، برخی نزدیکی بختیاری‌ها به آلمان‌ها در طی جنگ جهانی نخست را، حاصل آشفته شدن اوضاع و فرصت‌طلبی برخی از خوانین جوان برای عرض اندام و کسب جایگاه بهتر و قدرت بیشتر تحلیل نموده‌اند.^۱ این دسته از خوانین به قوای عثمانی پیوسته و خود بی‌بی مریم نیز با همراهی پاره‌ای از خوانین جزء بختیاری چون خوانین پشتکوه، در یورش‌هایی مداوم صدماتی را به انگلیس‌ها وارد می‌ساختند. به طوری که پلیس جنوب مبارزات دائمی و پیگیری درباره او را آغاز کرد. بی‌بی نیز از سربازان و افسران آلمانی برای سرکوب و قلع و قمع راهزنان کهگیلویه و کنتل خوانین کوچک استفاده نمود. (گارثویت، ۱۳۴۵: ۲۲۸-۲۲۷) فتوای علمای مشهور نظیر: آخوند خراسانی^۲ و حاجی آقا نورالله^۳ علیه روس و انگلیس و اقدامات و سوابق آنان در ایران، قاعدتاً در چنین تصمیمی دخیل بوده و در مبارزه سردار بی‌بی مریم با روس و انگلیس؛ دو قدرت عمده استعماری آن روز در ایران تأثیرگذار بوده است.^۴

در نتیجه با ورود شارژ دافر^۵ آلمان‌ها به ایران و استقرارش در اصفهان و به دنبال فتاوی علماء و تصمیم آزادی‌خواهان برای دفاع از ایران در برابر تجاوز روس و انگلیس، بی‌بی مریم نیز به خیل آنان پیوست و نقش بسیار مهمی را ایفا نمود. (سلطانی زراسوند، ۱۳۹۴: ۲۸۹-۲۸۸)

شارژ دافر آلمان‌ها که پس از تصرف اصفهان به دست روس‌ها متواری شده بود، مدتی در منطقه بختیاری به سر می‌برد وقتی مورد تعقیب انگلیسی‌ها قرار گرفت به مدت سه ماه نیم نزد بختیاری‌ها پناه

۱. نگاه کنید به مصاحبه عباس ایروانی پژوهشگر تاریخ با خبرگزاری مهر mehrnews.com/xNsWK

۲. (وفات ۱۳۲۹ق)

۳. (وفات ۱۳۴۶ق)

۴. جهت مشاهده فتاوی علماء در ضرورت مبارزه و جهاد با روس و انگلیس نک: (سلطانی زراسوند، ۱۳۹۴: ۲۸۴-۲۷۵؛ روزنامه خاور، سال ۱،

شماره ۱۳؛ صادقی طهرانی، ۱۳۹۱: ۱۲؛ شبانی، ۱۳۵۵: ۱۹۵؛ سپهر، ۱۳۳۶: ۵۵۷)

۵. کاردار یا شارژ دافر به مأمور سیاسی ارشد که در غیاب سفیر، موقتاً نمایندگی دولت خود را نزد دولت دیگری عهده‌دار شود گفته می‌شود.

جست، از جمله مدتی در نزد بی بی مریم که تمایلات شدیدی به متحدین به ویژه آلمان‌ها داشت اقامت نمود. (سپهر، ۱۳۳۶: ۳۰۴، گالت، ۱۳۸۷: ۲۴) در سه‌شنبه ۶ ذی القعدة ۱۳۳۴ - ۵ سپتامبر ۱۹۱۶ در ابلاغیه‌ای که از سفارت روس منتشر شد ضمن نام بردن از عوامل حاضر در جنگ، از بی بی مریم نیز به عنوان یکی از شرکت کنندگان در جنگ یاد شد که شارژ دافر آلمانی را خانه خود پناه داده است. (سپهر، ۱۳۳۶: ۳۹۸) با تشویق بی بی مریم و عده‌ای از خوانین جوان بختیاری از قبیل سردار معظم و سالار مسعود، سردار زفر، سالار اعظم پسر سردار اسعد، بهادر السلطنه تصمیم به حمله به شهر اصفهان گرفتند. در جنگی که در حوالی نجف آباد شکل گرفت بختیاری‌ها شکست خوردند و حدود ۵۷ نفر از آنان کشته شدند. با این حال شارژ دافر آلمانی با کمک بختیاری‌ها به کرمانشاه رفت و از راه بغداد خود را به برلن رسانید. (سپهر، ۱۳۳۶: ۳۰۵ و ۴۰۷-۸؛ عین السلطنه، ۱۳۷۴: ج ۶، ۴۵۹۴) تلاش بی بی مریم برای نجات مأمور آلمانی باعث شد تا امپراطور آلمان به منظور قدرشناسی تمثال مینا کاری شده و الماس نشان و همچنین صلیب آهنین خود را که مهترین نشان دولت آلمان بود برای وی به ایران بفرستد. (سپهر، ۱۳۳۶: ۴۰۷-۸)

رویه استعمار ستیزی بی بی مریم باعث شد تا مورد عناد روس‌ها قرار بگیرد، روس‌ها به هنگام فتح اصفهان خصمانه به منزل او تاختند و اثاثیه منزل او را به یغما بردند و کلیه اموال و املاک او را در اصفهان مصادره کردند. تمامی دارایی و اثاثیه، اسبان، نقود و جواهرات وی غارت گردید، اراضی و خانه‌هایش نیز همچون سایر سران بختیاری که جانب متحدین را گرفته بودند جزو املاک خالصه امپراطوری تزار قرار گرفت و به معرض حراج و مزایده گذاشته شد. (سایکس، ۱۳۸۰: ج ۲/ ۶۵۰؛ دانشور علوی، ۱۳۳۵: ۱۷۰)

با این حال بی بی مریم وقتی در جنگ جهانی اول، وطن پرستان ایرانی مورد تهدید و اولتیماتوم روس و بعد انگلیس قرار گرفتند و ناچار از بیم بیگانه به مهاجرت در داخله ایران تن در دادند و به کوهستان بختیاری پناه آوردند را، مورد محبت و مهمان‌نوازی خویش قرار داد و بعضی از آن‌ها را چند سال حفظ کرد، یعنی نان داد و آب داد و از خطر محفوظ نگاه داشت و آن عده را که بر طبق صلاح خود تصمیم به مهاجرت به غرب ایران و تشکیل حکومت موقت در کرمانشاه گرفتند را یاری و وسائل حرکتشان را فراهم نمود. (سلطانی زراسوند، ۱۳۹۴: ۳۱۳)

یکی دیگر از اقدامات بی بی مریم در بحبوحه جنگ جهانی اول کمک مالی به نیازمندان شهر اصفهان بود. در شرایطی که قحطی و خشکسالی و جنگ، مردم را در تنگنای سخت معیشتی قرار داده بود، سردار بی بی مریم بختیاری برای شکستن محاصره اقتصادی شهر اصفهان، اقدام به کمک مالی به نیازمندان کرد. تا این شهر به مقاومت خود در برابر استعمارگران و اشغالگران روس و انگلیس

ادامه دهد. (سلطانی زراسوند، ۱۳۹۴: ۱۶۳-۱۶۲) روزنامه مفتش ایران در گزارشی با عنوان «همت مردانه» به شرح این خدمت پرداخته است.^۱

بعد از جنگ جهانی اول نیز جریان مبارزات سردار مریم بختیاری با انگلیس‌ها در طی مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹ و کودتای ۱۲۹۹ همچنان ادامه یافت. به طوری که محمد مصدق حاکم فارس در زمان کودتای ۱۲۹۹ پس از مخالفت و عزل از اصفهان راهی بختیاری شد و مدت‌ها مهمان سردار مریم بود. (مصدق، ۱۳۶۵: ۱۳۸)

۱. جهت اطلاع بیشتر نک: روزنامه مفتش ایران. چاپ اصفهان. سال هشتم. شماره ۳ و ۴. شعبان ۱۳۲۶ هـ.ق.

نتیجه

آنچه از مباحث آشکار است، مهم‌ترین دلواپسی و نگرانی بی‌بی مریم بختیاری در طول حیاتش، ایران و جامعه ایرانی بود. پیشرفت، ترقی و نوگرایی، استقلال، قانونمدی، رفاه، آسایش، برابری حقوق زنان و مردان و تغییر سنن و قوانین ظالمانه و وحشیانه و ریشه کن شدن استبداد داخلی و استعمار خارجی از کشور از آرمان‌های بزرگ او برای ایران بود.

بی‌بی مریم بختیاری که همواره مشتاق حرکت جامعه به‌سوی تمدن و ترقی و نوگرایی و به تعبیر خودش رسیدن به «عصر طلائی» و «عصر مشعشع» بود؛ نقادانه به بررسی موانع پیشرفت و ترقی کشور نظر داشت. در بینش فکری بی‌بی مریم بختیاری وابستگی و واپس‌گرایی و عقب‌ماندگی جامعه ایران عصر قاجار معول عواملی نظیر استبداد حاکم، خشونت و ظلم بی‌سابقه، حضور و سوء استفاده بیگانگان به خصوص دو قدرت استعماری روس و انگلیس، کم‌خردی و ناآگاهی مردم و جهالت حاکم در جامعه است.

همانطور که بی‌بی مریم به دنبال رفع موانع عقب‌ماندگی و پیشرفت در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی ایران بود. به دنبال تمامیت ارضی، استقلال ایران و خروج بیگانگان از کشور نیز بود و با حضور در میدان‌های نبرد علیه روس‌ها و انگلیسی‌ها نشان داد که اندیشه او تنها ذهنی نبوده، بلکه این امر را در عمل نیز اثبات نموده و بواسطه رخداد‌های سیاسی و حوادث تاریخی کشور شخصاً و راساً برای تحقق این امور تلاش کرده است. چنانکه در واقعه فتح تهران خود شخصاً تفنگ به دست گرفت و با قزاق‌ها جنگید. به همین خاطر بی‌بی مریم بختیاری به عنوان یکی از شخصیت‌های ضداستعماری و استبدادی عصر قاجار مطرح گردیده است. در دروان جنگ جهانی اول نیز گرچه غالب بختیاری‌ها جانب انگلیس را گرفته و از انگلستان حمایت می‌نمودند، اما بی‌بی مریم به دنبال فتاوی‌ علماء و تصمیم آزادیخواهان برای دفاع از ایران به مخالفت و مبارزه با روس و انگلیس پرداخت و وقتی در جنگ جهانی اول، وطن پرستان ایرانی که مورد تهدید و اولتیماتوم روس و بعد انگلیس قرار گرفتند را پناه و تأمین داد و از آنان محافظت نمود.

مختصر آنکه بارزترین رویکرد بی‌بی مریم بختیاری برای واکاوی علل عقب‌ماندگی جامعه ایران و ارائه راه‌کارهایی برای حل آن حاکی از محوریت دو مسئله مهم در بینش فکری و مبنای اقدامات عملی وی در عصر قاجار و بعد از آن بشمار می‌رفت ۱. مبارزه و ضدیت با استبداد قاجار و افشاگری علیه آن؛ ۲. مخالفت با استعمار و زورگویی و اقتدار روس و انگلیس.

منابع:

۱. اتحادیه، (نظام مافی)، منصوره، (۱۳۷۹)، صورت جلسات هیئت دولت مهاجرین، تهران: نشر سیامک.
۲. آنه، کلود (۱۳۶۸)، اوراق ایرانی (خاطرات سفر کلود آنه در آغاز مشروطیت)، ترجمه ایرج پروشانی، تهران: معین.
۳. باست، الیور (۱۳۷۷)، آلمانی‌ها در ایران، ترجمه حسین بنی احمد، چاپ اول، تهران: شیرازه.
۴. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، (۱۳۷۹)، درخت جواهر، تهران: انتشارات بهنام.
۵. بامداد، مهدی (۱۳۵۷)، شرح حال رجال ایران در قرون ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، تهران: بی‌نا.
۶. بختیاری، ابوالفتح اوژن (۱۳۴۵)، تاریخ بختیاری، تهران: بی‌نا.
۷. بختیاری، مریم (۱۳۸۲)، خاطرات سردار مریم، ویراسته غلامعباس نورزی بختیاری، تهران: انزان.
۸. بیشوب، ایزابلا (۱۳۷۵)، از بیستون تا زردکوه بختیاری، ترجمه مهرداد امیری، چاپ اول، تهران: مهنا.
۹. پسندیده، مرتضی، (۱۳۷۴)، خاطرات آیت الله پسندیده برادر امام خمینی (ره)، تهران: نشر حدیث.
۱۰. پوربختیار، غفار (خرداد ۱۳۸۳)، «خاطرات سردار مریم بختیاری»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۸۰، ص ۷۵.
۱۱. خسرو خان ظفر بختیاری (۱۳۵۴)، خاطرات سردار ظفر بختیاری، به کوشش سیف الله وحیدنیا، تهران: نشر وحید.
۱۲. دالمانی، هانری رونه دو (۱۳۳۵)، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه محمد علی فره ورشی، جلد سوم، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.
۱۳. دانشور علوی، نورالله (۱۳۳۵)، تاریخ مشروطه ایران و جنبش وطن پرستان اصفهان و بختیاری، با توضیحات حسین سعادت نوری، تهران: کتابخانه دانش.
۱۴. دروویل، گاسپار (۱۳۷۰)، سفر در ایران، ترجمه منوچهر اعتماد مقدم، چاپ چهارم، تهران: شباویز.
۱۵. روزنامه خاور. سال اول، شماره ۱۳، ۲۱ محرم ۱۳۳۳ هـ.ق.

۱۶. روزنامه مجلس شماره ۳۰؛ مورخ ۱۷ مهر ۱۲۹۰ برابر با ۱۵ شوال ۱۳۲۹ ق و ۹ اکتبر ۱۹۱۱.
۱۷. روزنامه مفتش ایران. چاپ اصفهان. سال هشتم. شماره ۳ و ۴. شعبان ۱۳۲۶ هـ.ق.
۱۸. سایکس، سرپرسی (۱۳۸۰)، تاریخ ایران، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی، چاپ هفتم، تهران: افسون.
۱۹. سپهر، احمد علی مورخ الدوله (۱۳۳۶)، ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۸-۱۹۱۴، تهران: چاپخانه بانک ملی ایران.
۲۰. سردار اسعد بختیاری، جعفر قلی (۱۳۹۲)، خاطرات سردار اسعد بختیاری (جعفر قلی خان سردار بهادر)، به کوشش ایرج افشار، چاپ سوم، تهران: اساطیر.
۲۱. سلطانی زراسوند، پریچهر (۱۳۹۴)، سردار بی‌بی مریم بختیاری سردار آزادی، چاپ سوم، شهرکرد: انتشارات ایل دخت بختیاری.
۲۲. سند شماره ۲۹۳/۵۴۶۲ در آرشیو اسناد ملی
۲۳. شبیانی، عبدالحسین (وحیدالملک) (۱۳۵۵)، خاطرات مهاجرت، به کوشش ایرج افشار و کاوه بیات، تهران: مؤسسه نشر و پژوهش شیراز.
۲۴. صادقی طهرانی، محمد (۱۳۹۱)، نگاهی به تاریخ انقلاب اسلامی ۱۹۲۰ عراق و نقش علماء مجاهدین اسلام، قم: شکرانه.
۲۵. ظل السلطان، مسعود میرزا (۱۳۶۸)، خاطرات ظل السلطان، چاپ اول، باهتمام و تصحیح، تهران: اساطیر.
۲۶. عکاشه، اسکندر (ضیغم‌الدوله بختیاری) (۱۳۶۵)، تاریخ ایل بختیاری، چاپ فرید مرادی، تهران: یساولی (فرهنگسرا).
۲۷. عین السلطنه، قهرمان میرزا سالور (۱۳۷۴)، روزنامه خاطرات عین السلطنه، به تصحیح، مسعود سالور و ایرج افشار، چاپ اول، تهران: اساطیر.
۲۸. کسروی، احمد (۱۳۸۳)، تاریخ مشروطه ایران، چاپ بیستم، تهران: امیرکبیر.
۲۹. گارثویت، رالف (۱۳۴۵)، بختیاری در آئینه تاریخ، ترجمه مهرباب امینی، تهران: سهند.
۳۰. گارثویت، رالف (۱۳۷۳)، بختیاری در آئینه تاریخ، ترجمه مهرباب امینی، تهران: انتشارات آنزان.
۳۱. گالت، چارلز السکاندر و دیگران (۱۳۸۷)، ایل بختیاری، ترجمه کاوه بیات و محمود طاهر احمدی، تهران: شیرازه.

۳۲. لایارد، سراوستن هنری (۱۳۶۷)، سفرنامه لایارد یا ماجراهای اولیه در ایران، چاپ اول، ترجمه مهراب امیری، تهران: وحید.
۳۳. لیتن، ویلهلم (۱۳۸۵)، ماه غسل ایرانی، ترجمه پرویز رجبی، چاپ اول، تهران: ماهی.
۳۴. مصاحبه خبرگزاری مهر با عباس ایروانی، تاریخ مصاحبه ۷ بهمن ۱۳۹۷، لینک صفحه: mehrnews.com/xNsWK
۳۵. مصدق، محمد (۱۳۶۵)، خاطرات و تألمات دکتر محمد مصدق، به کوشش ایرج افشار، چاپ پنجم، تهران: علمی.
۳۶. نیدر مایر، اسکارفن (۱۳۶۳)، زیر آفتاب سوزان ایران، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: نشر تاریخ.